

نقش بانیان و تجار هندی در اقتصاد ایران عصر صفوی

دکتر جمشید نوروزی استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور
شهرام رمضانی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور

چکیده

تأسیس حکومت صفوی با رویکرد مذهبی شیعه دوازده امامی، فصل نوینی در تاریخ ایران گشود که این مقطع را از جهاتی متمایز از ادوار قبلی تاریخ ایران کرد. ایجاد حکومت مرکزی قدرتمند، فتوح نظامی، گسترش و تثبیت قلمرو در مرزهای هم‌جوار با حکومت‌های رقیب همسایه، از یک سو و اقداماتی همچون تأمین امنیت راه‌ها، گسترش کاروانسراها و روابط سیاسی و اقتصادی صفویان با اروپاییان، موجبات رشد و رونق تجارت داخلی و خارجی ایران در دوره صفوی را فراهم نمود. در پی این مهم، بستر مناسبی برای حضور و فعالیت بازرگانان خارجی، از جمله تجار هندی در ایران فراهم شد. در این پژوهش، تلاش شده با روش تحقیق تاریخی و با شیوه توصیفی-تحلیلی مبتنی بر منابع و مآخذ کتابخانه‌ای، عوامل زمینه‌ساز حضور و فعالیت بانیان و تجار هندی در عرصه اقتصاد ایران عصر صفوی و نیز پیامدهای فعالیت‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. به واسطه فعالیت تجار هندی در اموری مانند صرافی و معاملات ربوی که سود سرشاری را نصیب آن‌ها ساخت، اقتصاد ایران عصر صفوی با پیامدهای زیانباری همچون خروج مسکوکات مرغوب به هند، کاهش ارزش پول ملی و در نتیجه افزایش تراز بازرگانی هند در مقایسه با ایران مواجه گردید.

واژگان کلیدی: هند، صفویه، بانیان، تجارت، صرافی، ربا، مسکوکات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۷

E-mail: noroozi@tpnu.ac.ir

مقدمه

با افتادن حکمرانی ایران به دست صفویان، تغییر و تحول قابل توجهی در امور سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی ایران پدیدار گردید. بعضی از عوامل این تغییرات متنوع و گسترده به سیاست‌ها و اقدامات شاهان صفوی و فراز و نشیب جایگاه و نقش گروه‌های متنفذ جامعه باز می‌گردد و بخشی دیگر از دلایل، متأثر از مناسبات سیاسی و ارتباطات بازرگانی صفویان با ممالک دیگر و نیز تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی جهان در آن روزگار است. از جمله موضوعات مهم عصر صفوی که بررسی آن باید از رهگذر توجه به مجموعه علل داخلی و خارجی و تأثیر و تأثر این دو دسته از عوامل بر یکدیگر صورت پذیرد، برقراری و توسعه روابط اقتصادی صفویان با کشورهای دیگر، حضور چشمگیر بازرگانان خارجی در ایران و فراز و فرود تجارت داخلی و خارجی ایران عصر صفوی به‌ویژه در دوران شاه عباس اول است که با توأم ساختن نیروی شمشیر با تدبیر و اندیشه از مشکلات بسیاری عبور کرد. رشد مناسبات بین‌المللی و رونق تجارت داخلی و خارجی ایران در عهد شاه عباس اول، متأثر از اقدامات مختلفی همچون پیروزی در جنگ با همسایگان، سرکوب مدعیان قدرت، تحکیم و تثبیت حکومت، برقراری امنیت در کشور، به سامان ساختن امور کشورداری، تسلط بر هرمز و سواحل خلیج فارس، تسامح در قبال اقلیت‌های مذهبی، باز کردن فضای فعالیت برای بازرگانان خارجی و اقلیت‌های غیرمسلمانی چون ارمنه، بهبود وضع اقتصادی مملکت، افزایش منابع مالی دربار و توسعه آبادانی و رونق شهرها بود. در عهد برخی از جانشینان بی‌کفایت شاه عباس اول، به واسطه عواملی چون تغییر سیاست‌ها و رویکردهای حکمرانان صفوی در برخی امور داخلی و خارجی، اقدامات نسنجیده برخی دولتمردان و طمع‌ورزی در پُر نمودن خزانه شاهی و بی‌تدبیری در قبال فعالیت بازرگانان خارجی، اقتصاد و تجارت ایران با چالش‌های جدی مواجه گردید.

در این مقاله، موجبات و چگونگی ورود بانیان و تجار هندی به صحنه تجارت و اقتصاد ایران در عصر صفویه و فراز و فرود تأثیرگذاری آن‌ها بر اوضاع اقتصادی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. تجار هندی در شرایطی به فعالیت اقتصادی در ایران پرداختند که به دلیل تحریم ربا در آیین اسلام و مذمت آن در بین جوامع اسلامی، از یک سو امور صرافی و برخی معاملات پولی اعتباری به اقلیت‌های غیرمسلمان واگذار شده بود و از سوی دیگر، برخی شاهان صفوی از حضور یهودیان در عرصه اقتصادی ایران حمایت نمی‌کردند. این شرایط و ضرورت حضور یک گروه برای تأمین احتیاجات اعتباری و پولی مورد نیاز در عرصه اقتصادی، زمینه را برای فعالیت شمار قالب توجهی از بانیان و تجار هندی که محور

فعالیت‌هایشان بر دلّالی، صرافی و قرض دادن پول با بهره‌ی بالا متمرکز بود، فراهم ساخت و به تدریج آنان را به بزرگ‌ترین وام‌دهندگان پول در ایران تبدیل نمود.

این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا حضور و فعالیت بانیان و تجار هندی در ایران عصر صفوی و روند تدریجی و رو به رشد فعالیت آنان، متأثر از چه دلایل و عواملی بوده است؟ دیگر سؤال مهم، آن که فعالیت تجار هندی در ایران عصر صفوی، چه تأثیرات و پیامدهایی بر اقتصاد ایران گذاشت؟ فرضیه‌ی اول پژوهش آن است که دلایل و موجبات حضور و فعالیت بانیان و تجار هندی در ایران و فراز و فرود فعالیت آن‌ها، متأثر از عواملی چون موقعیت ترانزیتی ایران، روند فزاینده‌ی داد و ستد تجاری ایران و هند در عصر صفویه، اقدامات صفویان در تأمین امنیت و گسترش امکانات تجارت کاروانی، محدودیت‌ها و معذوریت‌های تجار مسلمان در ورود به فعالیت‌هایی چون صرافی و بانکداری همراه با بهره و ربایه است. فرضیه‌ی دوم آن است که به واسطه‌ی منفعت‌طلبی بانیان و تجار هندی و فعالیت آن‌ها در اموری چون صرافی و معاملات ربوی، اقتصاد ایران عصر صفوی با پیامدهای زیانباری همچون خروج مسکوکات مرغوب به هند، کاهش ارزش پول ملی و افزایش تراز بازرگانی هند مواجه گردید.

در گردآوری اطلاعات برای این تحقیق، در کنار مراجعه به کتاب‌های تاریخی که عمدتاً به موضوعات سیاسی و نظامی پرداخته‌اند، سفرنامه‌ها و گزارشات مأموران سیاسی و بازرگانی خارجی و نیز اطلاعات مرتبط مندرج در برخی منابع مذهبی مورد توجه قرار گرفته است. از نظر پیشینه‌ی تحقیق، باید اشاره نمود که پژوهش مستقل و جامع که تمام جوانب امر را مورد توجه قرار داده باشد در دست نیست. با این حال، در تحقیقاتی که به تاریخ روابط و مناسبات سیاسی ایران و هند در دوره‌ی صفوی پرداخته و نیز در برخی مقالات محققان داخلی یا خارجی که به اقتصاد و تجارت ایران و هند پرداخته‌اند، مطالب مختصر و ناقص درباره‌ی موضوع این نوشتار دیده می‌شود.

مناسبات سیاسی ایران و هند در دوره‌ی صفوی

از همان ابتدای تأسیس حکومت صفویه (۹۰۷ هـ. ق.) و به دنبال نجات خواهر بابر (خانزاده بیگم) توسط شاه اسماعیل از اسارت شیبک‌خان اوزبک (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۷) و سپس پناه آوردن همایون به شاه طهماسب در سنه ۹۵۰ هـ. ق. و استمداد از او برای مقابله با دشمنانش، زمینه‌هایی برای برقراری و تحکیم روابط صفویان و تیموریان هند ایجاد گردید. بعد از آن که همایون

«به یمن امداد و اسعاد آن حضرت، دیگر باره قدم بر سریر سلطنت نهاده و مملکت قدیمی را تحت ضیط و تصرف درآورد» (قباد الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۴۷)، پیوندهای عمیقی بین دو سلسله خلق شد. به این ترتیب، دو شاه اول گورکانی در مواجهه با سیلاب حوادث ایام حکمرانی خود، «دست تمسک و اعتصام به حبل‌المتین دودمان ولایت آشیان صفوی» دراز کرده و از کمک صفویان برای غلبه بر رقیبان و دشمنان خود و حفظ قلمرو خویش استفاده کردند (همان) به گفته قاضی احمد غفاری کاشانی مؤلف تاریخ نگارستان، شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ هـ ق.) همه خزاین و ملک خویش در «اعزاز و توقیر همایون» بکار برد (غفاری کاشانی، ۱۴۱۴: ۳۷۷). علی‌رغم اینکه شاهان دو سلسله در قلمرو حاکمیتی خود از دو آیین متفاوت حمایت می‌کردند؛ اما مناسبات سیاسی آنان روی هم‌رفته مبتنی بر روابط دوستانه و مسالمت آمیز بود. از جمله موضوعات مورد اختلاف صفویان و گورکانیان، اختلاف بر سر مسأله قندهار بود که به لحاظ موقعیت استراتژیک آن مورد توجه طرفین بود و همواره بینشان دست به دست می‌گشت. در واقع استیلا بر قندهار که به تعبیر شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ ق) «سنگ شاهراه محبت» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۳: ۹۷۱) و از نظر شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ ق) «سند التیام طرفین و نشان دوستی جانبین» (نویسی، ۱۳۶۰: ۱۷۸) توصیف شده‌است؛ به لحاظ سیاسی و دیکته کردن سیادت هریک از دولت‌های درگیر همسایه - حتی از یک‌ها - در منطقه ماوراءالنهر می‌توانسته حائز اهمیت باشد. این موضوع به زعم مؤلف تاریخ جهان‌آرای عباسی، در ارتقای شهرت «گیتی‌ستانی بر مدارج صاحبقرانی» مؤثر بوده‌است (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۹۹). افزون بر این، عواید گمرکی قندهار به مثابه گلوگاه مسیر اصلی ترانزیتی بین ایران و هند، منبع درآمد قابل توجهی برای طرفین شمرده می‌شد. پیش از آنکه تجارت دریایی خلیج فارس به واسطه کشف مسیرهای جدید آبی توسعه پیدا کند، مسیر امن تردد و تجارت شبه‌قاره هند به ایران از قندهار می‌گذشت. استفان فردریک دیل در بیان اهمیت این راه بر تجارت منطقه و تأثیر آن بر بازار شهرهای ایران، می‌نویسد: میزان قابل توجهی از تجارت به طور عادی از همین نواحی شمال غربی هند صورت می‌گرفت. در اوایل قرن شانزدهم میلادی، سالی حداقل ۳۰۰۰ بار شتر کالا جا به جا می‌شد که حتی اگر یک شتر ضعیف، قادر به حمل ۵۰۰ پوند بار می‌بود، حجم کل بار مذکور را می‌توان معادل ۷۵۰ تن تخمین زد. از نظر دیل، تجارت خشکی تأثیر بسزایی بر بازارهای ایرانی داشت؛ به طوری که هزار بار شتر پارچه و پر طاووس وقتی در سال ۱۶۶۵ میلادی به اصفهان رسید، بهای محلی تا ۱۵٪ افت کرد. هنگامی که راه‌های دریایی به طور معمول خطرناک بودند، تجارت از راه خشکی تا ۳۰٪ در سال رشد داشت (Fredric Dale, 2007: 48). با وجود رویارویی گاهگاه طرفین بر سر تصاحب این شهر، هر یک از دولت‌های

گورکانی و صفوی که قندهار را تصرف می‌کرد با تبادل هدایایی ارزشمند در حفظ روابط دوستانه با دولت دیگر می‌کوشید. به نظر می‌رسد گورکانیان هند که حفظ قدرت سیاسی خود را تا حدی مرهون صفویان می‌دانستند، به نوعی خود را مدیون آنان دانسته و سعی در حفظ روابط فی‌مابین داشتند.

مناسبات اقتصادی ایران و هند

پیشینه مناسبات اقتصادی دو کشور از تاریخچه‌ای بس طولانی برخوردار بود. لیکن با تأسیس حکومت صفویان در ایران (۹۰۷ ق/ ۱۵۰۱ م) و گورکانیان هند (بابریان / مغولان کبیر) (۹۳۲ ق/ ۱۵۲۶ م) در هند، حکومت‌ها و مردمان دو سرزمین روابط اقتصادی گسترده‌تری را تجربه کردند. ابن بطوطه در سده هشتم هجری، جرون (هرمز) را بندرگاه هند و سند معرفی کرده و افزوده که کالاهای هندوستان از این شهر به عراق عرب و عراق عجم و خراسان حمل می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۳۳). جوزفا باربارو که در زمان سلطنت اوزون حسن (۸۵۷-۸۸۲ ق) و قبل از روی کار آمدن صفویه وارد ایران شده، اشاره کرده‌است که بازرگانانی که از هندوستان به ایران یا از ایران به هندوستان سفر می‌کنند غالباً در این جزیره فرود می‌آیند (باربارو و دیگران، ۱۳۸۱: ۹۵). این شواهد گویای برقراری و استمرار تجارت بین دو سرزمین از مسیر دریا حتی قبل از کشف مسیرهای جدید آبی و حضور اروپاییان در منطقه است.

کالاهای مبادلاتی بین ایران و هندوستان بسیار متنوع و حجم و ارزش بسیاری داشته است. به عنوان مثال، ادویه یکی از کالاهای مهمی بود که از هند به ایران وارد و عایدات زیادی را نصیب تاجران می‌کرد. کلاویخو به اهمیت آن به خصوص برای عرضه و فروش در بازار سوریه اشاره کرده است (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۶۸). به گزارش اسناد مربوط به این دوره، درآمد حاصل از ادویه می‌توانست تمامی هزینه‌های اداره هند را تأمین نماید (آقامحمد زنجانی، ۱۳۸۲: ۴۹-۲۳۷). ورود سالیانه دویست کشتی حامل کالا از تمامی مناطق هند به هرمز (همان: ۱۷۰)، می‌تواند مبین حجم گسترده مبادلات تجاری بین دو کشور باشد. مسیرهای تجاری زمینی (از طریق قندهار) و دریایی میان ایران و هند که بنادر عمده آن‌ها سورت و هرمز (و سپس بندرعباس) بودند، قسمت عمده‌ای از کل تجارت بین دو کشور را انتقال می‌دادند که البته اهمیت نسبی این راه‌ها (خشکی و دریایی) به تبع واقعیت‌های سیاسی در نوسان بود.

صادرات ایران به هند، شامل انواع کالاهای پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی، انواع میوه و مواد خوراکی چون خشکبار، روناس، انواع چرم و پوست دباغی شده، قاطر و اسب بود. صادرات اسب به هندوستان، تجارت بسیار مهم و سودمندی محسوب می‌شد. داستان تلاش دیو رای هندو، حاکم بیجانگر در فهم علت عدم برتری مملکتش بر سلاطین بهمنیه را، می‌توان گویای اهمیت تجارت اسب دانست (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۹۲)؛ به گونه‌ای که گفته شده: «هرکس اسب‌های ایرانی را در اختیار داشته باشد، حکومت دکن را در دست خواهد داشت» (آقامحمدزنجانی، ۱۳۸۲: ۵۷). در واقع، از اصلی‌ترین تجارت‌هایی که بین ایران و هند جریان داشت، تجارت اسب بود که به تعبیر برخی آن‌ها را به بی‌ایمان‌ها می‌فروختند (همان: ۲۲۷).

تجار هندی در ایران

یکی از گروه‌های خارجی که در دوره صفوی به تدریج وارد ایران شده و مشغول فعالیت اقتصادی گردیدند، تجار هندی بودند که در منابع با اسامی مختلفی مانند هندو، مولتانی و بانیان از آنان یاد شده است. آنان به واسطی رونق تجارت و به منظور پی‌گیری اهداف و منافع اقتصادی خود، داوطلبانه وارد قلمرو ایران شدند. به گفته استفان فردریک دیل، در منابع قرون هفدهم و هجدهم میلادی به ندرت در خصوص طبقه و یا هویت نژادی بازرگانان مولتانی صحبت شده است. به ادعای دیل، خارج از هند معمولاً اصطلاح «بانیا» را به عنوان یک طبقه حرفه‌ای برای همه بازرگانان هندو و همچنین برای جین‌ها بکار می‌بردند (Fredric Dale, 1994: 58). دُن گارسیا دسیلوا فیگوئروا و پیتر و دلواله که در زمان سلطنت شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق / ۱۵۸۸ - ۱۶۲۹ م) در ایران حضور داشتند، حضور این گروه در ایران را گزارش کرده و از این عده به نام بانیان Banyan یاد کرده‌اند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۵۹؛ دلواله، ۱۳۹۰: ۴۹). به نظر رودلف پی متی، کلمه بانیان یا بانیه از ریشه کلمه بانیک یا وانیک اخذ شده که در زبان سانسکریت دلالت بر بازرگان دارد و این کلمه با کلمات «بقال» در عربی و «مغازهدار» در فارسی مترادف است و نوعاً در هند با عنوان تاجران خرده‌فروش و مغازه‌دار کاربرد داشته است (متی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). بنا به اشاره جهانگیرنامه (جهانگیری، ۱۳۵۹: ۲۴۹-۵۲۸)، گروهی که به بانیان ملقب بودند، عمدتاً در هند به خواروبارفروشی اشتغال داشتند. فارغ از این حدس و گمان‌ها، احتمال می‌رود وجه تسمیه این گروه، در مسائل عقیدتی نیز داشته باشد. هندوها برای بسیاری از درختان، ارزش و قداست خاصی قائل‌اند؛ یکی از این درختان، درخت بانیان؛ یعنی درخت انجیری است با برگ‌های

بیضوی که گویا مورد علاقه بودا بوده است. این درخت، نماد قدرت و زندگی به حساب می‌آمده و بودا اغلب در زیر این درخت به شاگردانش تعلیم می‌داد (حسین‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۹-۴۸). بر همین اساس، تاورنیه در ذکر بانیان و در بیان وجه تسمیه این گروه، ریشه آن را مرتبط به نوعی درخت بومی هند دانسته که برای آن‌ها مقدس بوده است که مشابه این درخت در جزیره هرمز ایران نیز می‌روید.

خاستگاه بانیان

در مورد خاستگاه اصلی بانیان همچون وجه تسمیه آن‌ها، تفاوتی ابراز شده است. جهانگیرشاه (۱۶۰۵-۱۶۲۷ م.) در کتاب خاطراتش (جهانگیرنامه)، مُلکِ گجرات را موطن آنان دانسته است (جهانگیری، ۱۳۵۹: ۲۴۹). دلاواله سیاح ایتالیایی نیز که به لحاظ تقدم زمانی حضور در ایران این زمان، نسبت به دیگر سفرا و سیاحان خارجی (به استثناء آنتونی جنکینسون)، متقدم‌تر بوده و هفت سال در زمان سلطنت شاه عباس اول در ایران حضور داشته، تصریح نموده که سرزمین اصلی آنان گجرات بوده و غالب آنها به قصد تجارت وارد ایران شده‌اند (دلاواله، ۱۳۹۰: ۴۰). اما ژان شاردن آنان را منسوب به مولتان، یکی از بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین شهرهای هند به قندهار دانسته است (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۶۸۹). دن گارسیا سفیر فلیپ دوم پادشاه کشور اسپانیا که در سال ۱۶۱۴ میلادی وارد ایران و به مدت ۲ سال در دربار شاه عباس حضور داشته، این گروه را از بومیان سند و گامبایا دانسته و اشاره کرده است که شماری از این گروه در زمان شاه عباس در هرمز می‌زیستند (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۵۹).

اعتقادات و آداب و رسوم بانیان

به غیر از آدام اولتاریوس که غالب هندی‌های مقیم اصفهان را مسلمان و تنها عده‌ای از آن‌ها را بت‌پرست خوانده است (اولتاریوس، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۱۱)؛ سایر سیاحان و اروپاییانی که در این زمان به ایران مسافرت نموده‌اند، متفق‌القول آن‌ها را کافر و بت‌پرست خوانده‌اند. به نوشته جهانگیرنامه: دارای معابدی بودند که به زبان خودشان به آن دیوهره می‌گفتند (جهانگیری، ۱۳۵۹: ۱۴۴). همفری میلفورد، ضمن اشاره به معابد این گروه، از عقاید آنان تحت عنوان pigmalion یاد کرده و بر آن است که حدود سی زیرگروه متعدد و عجیب از آن‌ها وجود دارد که در برخی موارد مذهبی با هم فرق دارند (Humphrey Milford, 1921: 216-221). به نوشته دلاواله، برای غذا خوردن و نیز به جای آوردن آداب اعتقادی خود کاملاً برهنه شده و شستشو می‌کنند تا تمیز باشند؛ به اظهار وی، آنان در انجام

تشریفات اینکار، مبالغه نموده و اعمال خسته‌کننده‌ای انجام می‌دهند (دلواله، ۱۳۹۰: ۶۲)؛ از تناول گوشت حیوانات، امتناع کرده و تعظیم گاو را باعث قوام عالم می‌دانستند (بدائونی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۱۱)؛ در قسمت بالای سوراخ‌های بینی نزدیک پیشانی خود، رنگ زردی می‌مالند؛ پیراهنی از متقال سفید به تن و عمامه سفیدی بر سر دارند؛ قدشان متوسط و صورت‌ها رنگ پریده و گندم‌گون و لاغر اندام است (کاتف، بی‌تا: ۸۶). بانیان، دارای گورستان مخصوص خود بوده و خاکستر اجساد مردگان خود را در آب می‌ریختند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۵۶۰). یکی از رسوم که آن‌ها در بین خود داشتند، رسم جوهر کردن بود که بر اساس آن زنان پس از فوت شوهران خود، خواه به جهت محبت و اظهار وفاداری و خواه به دلیل حفظ ناموس پدران و خویشان، خود را می‌سوزاندند (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۵۸۴۵).

حرفه اصلی بانیان

آنه ماری شیمل، از آنها با عنوان تاجر یاد کرده و افزوده که مهارتشان در تجارت ضرب‌المثل بود. به گفته فینج، بخش بزرگی از تجارت و اقتصاد بخش خصوصی هندوستان در دستان آن‌ها بود و فعالیت آن‌ها برای کشور، ضرورت حیاتی داشت (شیمل، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۹). بانیان در مسائل مالی و ریاضی مهارت داشتند و سیستم پرداخت وام در هندوستان، تقریباً در دست آنان بود. برخی نقاشی‌ها، بانیان را به عنوان هندوهای وام‌دهنده با لیست بلند بالایشان نشان می‌دهند. در دوره حاکمیت گورکانیان (۱۵۲۶-۱۸۵۸م.) در بخش قابل توجهی از هند، به اصیل زادگان توصیه می‌شد برای حل مشکلات مالی بهتر است نزد هندوی مؤدب متواضع، یعنی بانیان بروند تا نزد حسابداران خشن مسلمان (همان: ۱۳۳-۱۳۴).

پراکندگی جمعیتی بانیان

اکثر منابعی که به حضور و فعالیت بانیان در ایران اشاره کرده‌اند، از شهرهای اصفهان، کاشان، تبریز، برخی از مناطق و بنادر جنوبی نظیر هرمز، بندر عباس، گنگ، لنگه و شماخی در شمال ایران به عنوان مراکز حضور و کانون‌های فعالیت این عده نام برده‌اند. یکی از کشیش‌های مسیحی که در شماخی حضور داشته، تعداد هندیان مستقر در این شهر را دویست نفر ذکر کرده و از وجود معبد خاص این گروه سخن رانده‌است. وی افزوده که هندیان شماخی، بزرگ‌ترین کارهای بازرگانی را در دست داشتند و ثروتمندترین بازرگانان محسوب می‌شدند (//، ۱۳۶۰: ۳۲). گسترش پهنه فعالیت‌های

تجاری بانیا در موقعیت‌های متنوع جغرافیایی از توران تا اصفهان و از آنجا تا آستاراخان و مسکو، گواه این است که آن‌ها تنها دستفروشان گذری نبوده، بلکه جمعیتی مهاجر بودند که با توجه به موقعیت مناسب اقتصادی مناطق مختلف و علائق تجاری‌شان در شهرهای مختلف سکونت گزیده و به تجارت و کارهایی چون وام دادن می‌پرداختند (Fredric Dale, 1994 : 66-67).

علل زمینه ساز حضور بانیا در ایران

۱- موقعیت ترانزیتی: سرزمین ایران با توجه به موقعیت مناسب جغرافیایی اش و قرار گرفتن بر سر راه غرب و شرق و جاده‌های ابریشم و ادویه، همواره نقش مهمی در مناسبات اقتصادی و تجارت بین‌المللی ایفا نموده است. به عنوان مثال، کلاویخو که در زمان تیمور (بین سال‌های ۱۴۰۳-۱۴۰۶ م.) به ایران سفر آمده‌است، ضمن اشاره به موقعیت تبریز به لحاظ بازرگانی می‌نویسد: «این شهر بر سر راه کاروان‌رو شرق و غرب واقع بود و کاروانیانی که از کنار دریای سیاه و آسیای صغیر می‌آمدند، با کاروانیانی برمی‌خوردند که از اقصی نقاط آسیای مرکزی آمده بودند» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۵). حکومت صفوی به زعم کاترینو زنو سیاح ایتالیایی، در این برهه از تاریخ جهان به مثابه انقلابی بی نظیر بود (زنو، ۱۳۸۱: ۲۰۴) که توانست بعضاً بهره‌برداری خوبی از شرایط موجود نماید. اقدام شاه عباس اول در بازپس‌گیری جزیره هرمز (۱۶۲۲ م.) و اخراج پرتغالی‌ها از آن و جایگزینی بندرعباس به جای هرمز، سبب شد تا کشورهای مطرح جهان آن روز بیش از پیش متوجه موقعیت ترانزیتی ایران شده و تمام تلاش خود را برای ایجاد ارتباط با ایران و بهره‌برداری از ظرفیت‌های آن به انجام رسانند. توسعه و ترقی بندرعباس با نظارت و برنامه‌ریزی ویژه‌ای انجام و در زمانی اندک، کلیه تأسیسات و بناهای لازم برای تبدیل آن به یک بندر ترانزیتی، ساخته شد (حبیبی و وثوقی، ۱۳۸۷: ۱۸) با پا گرفتن بندرعباس و رونق گرفتن مجدد تجارت در مسیرهای دریایی منتهی به خلیج فارس، توجه و تردد تجار خارجی و برخی کمپانی‌های بزرگ اروپایی به ایران و حتی استقرار آن‌ها در شهرهای بندری جنوب بیشتر شد. این امر، ترکیب اجتماعی جدید در برخی شهرها ایجاد و بعضاً این شهرها را به شهرهای چند ملیتی بدل کرد.

۲- امنیت اقتصادی و رونق شهرها: وجود شهرهای آباد با امکانات بین راهی توأم با امنیت و فراوانی نعمت، از عوامل جذاب سفر به قلمرو صفویان بود. آنتونی شرلی، از وفور نعمت، گندم فراوان و نان ارزان سخن گفته است (شرلی، ۱۳۸۷: ۷۷). جملی کارری ایتالیایی در ذکر اهمیت و رونق بازار

اصفهان، به حضور بازرگانان از نقاط مختلف دنیا در این شهر و وفور هر نوع متاع در آن سخن به میان آورده است (کارری، ۱۳۴۸: ۶۵). مؤلف تاریخ حزین که حمله و استیلای افغانان او را مجبور به ترک ایران نمود، در بیان شکوه و رونق اصفهان می‌نویسد: «حُسن معیشت در آن برای فقیر و غنی و مسافر و مجاور یکسان و تحصیل هر کمالی و هرگونه نعمتی میسر و آسان است» (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۲۰). رواج و مبادله دیرینه سکه‌های طلای لاری در مناسبات تجاری منطقه، شرایط خوبی برای ورود بازرگانان و تجار منطقه مهیا نموده بود. به گونه‌ای که تا مدت‌ها ضرب این سکه‌ها تداوم داشت و حتی در اقصی نقاط هندوستان مورد داد و ستد بود (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۶۵) بعدها تا قرن هجدهم میلادی وسیله پرداختی معتبر در جنوب ایران محسوب می‌شده است (شوستر والس، ۱۳۶۴: ۵۰). اولتاریوس ضمن مقایسه روسیه و ایران می‌نویسد: «ایران، بر خلاف روسیه، سرزمینی آزاد و باز است و به همین سبب، اهالی بومی آن و نیز بیگانگان می‌توانند آزادانه به این کشور رفت و آمد کنند» (اولتاریوس، ۱۳۸۰: ۲۸۰).

۳- راه‌های مواصلاتی و امکانات بین راهی: با رونق تجارت داخلی و خارجی، اهمیت دادن به راه‌ها و نیز تمرکز تجارت دریایی در بندرعباس، مسأله ایجاد امکانات بین راهی و تجهیز آن از جایگاه حائز اهمیت برخوردار شد؛ تا بدانجا که از دوره صفوی، تحت عنوان عصر طلایی ایجاد کاروانسراهای ایران یاد می‌شود (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۳). به گفته کارری: برخی از کاروانسراها از حیث زیبایی و تناسب و استحکام، با بهترین ابنیه اروپایی برابری می‌کرد (کارری، ۱۳۴۸: ۶۵). جاده‌ها و کاروانسراها در اقتصاد عصر صفوی، همچون شریان‌های حیاتی عمل می‌نمودند. اهتمام شاهان صفوی در تجهیز و تأمین امنیت راه‌های مواصلاتی در منابع تاریخی و سفرنامه‌های سیاحان منعکس شده است. اسکندر بیک ترکمان می‌نویسد: «چون معظم امور سلطنت، استقامت مملکت و امنیت طرق است و در ممالک ایران این شیوه مفقود گشته، تردد و آمد و شد خلایق به غایت دشوار شده بود؛ آن حضرت [شاه عباس] در بدایت حال، متوجه رفع این اختلال گشته» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۱۰۴؛ افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۵۷). تاریخ الفی نیز که در هند نگاشته شده، از اهتمام صفویان در ایجاد امنیت جاده‌ها، سخن رانده است و می‌نویسد: زمان سلطنت شاه طهماسب «از کنار آب جیحون تا کنار آب شط‌العرب، راه‌ها به دولت او امن بود. تجار به فراغت آمد و شد می‌کردند» (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۵۸۶۰). در سایه این اقدامات بود که گیان اسمیت، امنیت موجود در جاده‌های ایران در زمان شاه عباس را در دنیا بی‌نظیر و ایوان گرس حیرت‌انگیز توصیف کرده‌اند (گرس، ۱۳۷۲: ۷). بنا به گزارش رسمی

مأموران انگلیسی، «مسیر اصفهان به جاسک از امنیت بسیاری برخوردار است و بانیان بدون ترس و واهمه در سفر با خود مقادیر زیادی پول جابجا می‌کنند» (حیبی و وثوقی، ۱۳۸۷: ۲۳).

به گواهی مندرجات برخی اسناد: «مسیر کاروانی بندر عباس به شیراز و اصفهان به «شاهراه اصلی» مبادلات و واردات و صادرات کالا تبدیل شد، به گونه‌ای که بیشترین حجم جابجایی اقلام مورد نیاز در این مسیر انجام می‌گرفت» (همان). راه‌های بزرگ مواصلاتی، از سرحدات شروع و از آنجا به نقاطی از کشور که در چرخه تولیدات کشاورزی و صنعتی نقش داشتند، کشیده می‌شد. شهرهای واقع در مسیر راه‌های بزرگ مواصلاتی، در جریان داد و ستد و مبادلات پولی و کالایی صرفاً نقش واسطه را نداشتند بلکه خود تولیدکننده برخی محصولات بودند و به واسطه خدماتی که ارائه می‌دادند، شهرت جهانی پیدا کردند. به این ترتیب، قسمت مهمی از زربفت‌ها و پارچه‌های ابریشمی ایران از طریق روسیه، به بازارهای بزرگ اروپایی فرستاده می‌شد؛ پارچه‌های ابریشمی ساده به عثمانی صادر می‌شد. افزون بر این، هلندی‌ها چرم‌های ایران را به هندوستان می‌فرستادند (کیانی و کلایس، ۲۶). همچنین در خلیج فارس، بندرگنگ (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۴۵) و به خصوص جزیره هرمز به واسطه داشتن سواحل خوب و موقعیت مناسب به لحاظ قرار گرفتن بر مدخل خلیج فارس و دریای عمان و نزدیکی به شهرهای کرمان و شیراز و منتهی شدن یک سری از راه‌های معتبر خشکی به بنادر، از قدیم اهمیت داشته‌اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: ۷). در بین بنادر خلیج فارس، به دلیل ارائه خدماتی نظیر تعمیرات و ساخت دکل کشتی و تهیه نوعی پارچه به اسم بافت هرمزی که در بادبان کشتی‌ها کاربرد داشت (آقامحمدزنجانی، ۱۳۸۲: ۶۷-۱۷۱-۲۳۵)، به عنوان مرکزی برای ارائه خدمات به تجارت دریایی مطرح و اهمیت یافته بود.

۴- تسامح در قبال اقلیت‌ها و تجار خارجی: رفتار عمدتاً مبتنی بر تساهل و تسامح مردم ایران و شاهان صفوی (به استثناء شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول) با اقلیت‌ها و بازرگانان خارجی، می‌توانست در ایجاد رغبت در بین گروه‌های مختلف با آیین و مذاهب متنوع برای سفر به ایران و پرداختن به فعالیت اقتصادی و تجاری در این کشور مؤثر باشد. در حالی که مؤلف تاریخ جهان‌آرای عباسی، دارالسلطنه اصفهان را ملجاء و معاذ جهانیان معرفی کرده است (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۰۲)؛ شاردن می‌نویسد: «از جمله خصایص عالیه ایرانیان دوستداری و مردمی و مهربانی آنان نسبت به افراد خارجی می‌باشد. پذیرایی و حمایتی که از بیگانگان می‌کنند، مهمان‌نوازیی که بی‌تفاوت نسبت به افراد هر مملکت به عمل می‌آورند و مراعاتی که حتی درباره کسانی که پیرو مذهب باطلی هستند

بجا می‌آورند، به راستی اعجاب‌انگیز و در خور تحسین و آفرین است» (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۶۲). حتی شهر مذهبی قم که پایگاه علما و روحانیون برجسته شیعه بوده نیز، از این امر مستثنی نبود. مؤلف سفرنامه سفیر زیبا که در اواخر دولت صفوی و در عهد سلطنت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) و اوج قدرت علمای شیعه از شهر قم دیدن کرده، از آن به عنوان یکی از مراکز مهم تجاری یاد کرده که بازرگانانی از سرتاسر آسیا و اروپا در آن با هم ملاقات و معامله نموده و هرکدام به زبان خاص خود صحبت می‌کردند. (گرس، ۱۳۷۲: ۱۹۷) وجود دو هزار خانه متعلق به ارامنه در شهرهای قزوین و تبریز و فعالیت بالغ بر ۵۰۰ کلیسا در نقاط مختلف ایران (اولناریوس، ۱۳۷۹: ۴۸۵-۴۸۶)، گویای این است که اقلیت‌های مذهبی در ایران دارای آزادی‌های مذهبی بوده و کسی نمی‌توانسته مزاحم آن‌ها شود. آنتونی شرلی، مملکت ایران را برای سکناى غیرایرانیان به مراتب بهتر از مملکت عثمانی دانسته و افزوده که اهالی ایران، خیلی مودب و نسبت به خارجی‌ها مهربان هستند. (شرلی، ۱۳۸۷: ۷۵) ناگفته نماند که اعطای این آزادی‌ها به خصوص در زمان شاه عباس اول، معلول دلایل سیاسی و بیشتر شامل مسیحیان بوده است. در واقع، توجهات خاص وی به رونق تجارت، گسترش دایره مبادلات و مناسبات جهانی و در پیش گرفتن رویه تسامح مذهبی، باعث شد تا گروه‌ها و اقلیت‌هایی از نژادها و مناصب مختلف در قالب نقش تجار، روحانیون و نظامیان در پایتخت و برخی شهرهای ایران ساکن شوند؛ از آنجائی که عملکرد مؤثر و سازنده هر یک از این گروه‌ها در جهت تحقق آمال شاه عباس می‌بود، مسأله ایجاد محیطی امن و آرام به ویژه در پایتخت را ضروری می‌ساخت. افزون بر این، پیش آمدن مسائل جدید حقوقی و عرفی در رابطه با خواست‌ها و مسائل گروه‌های فوق و حتی تعامل عامه مردم و مقامات حکومتی با آنان، محکمه‌ای مستقل از تعصبات مذهبی را ایجاب می‌کرد؛ بنابراین، شاه عباس اول اقدام به تفکیک محاکم عرفی از شرعی نمود و تغییراتی در امور قضایی ایجاد نمود که این تغییرات با تشکیل مقام دیوان بیگی شکل رسمی به خود گرفت (فلور، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۲) و این نهاد تا زمان شاه سلطان حسین استمرار داشت. (موسوی فندرسکی، ۱۳۷۸: ۴۰) سخن پیتر و دلاواله مبنی بر اینکه «در ایران، تمام اقوام خارجی اعم از این که از کشور یا مذهب دیگر باشند، طبق قوانین خاص خود زندگی می‌کنند... و هر قومی در امور مدنی و جزایی، نوع قضاوتی مخصوص به خود دارد که قضات شاه [عباس اول] در آن دخالتی ندارند» (دلاواله، ۱۳۹۰: ۵۱)، می‌تواند گواهی بر این مدعا باشد. با تمام این اوصاف، هرچه به اواخر دوره صفویان که مصادف با حکومت شاهان ضعیف و نیز اعتلا و استیلای نهاد مذهب و علمای دینی بر نهاد سلطنت است نزدیک می‌شویم، تسامح مذهبی در قبال اقلیت‌های دینی و

تجار خارجی کمرنگ می‌گردد(مجلسی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۰-۵۲۱؛ لاکهارت، ۱۳۴۴: ۸۳؛ سیوری، ۱۳۷۸: ۲۳۷-۲۳۸).

جان فوران، ایران سده ۱۷ میلادی را یک امپراتوری جهانی دانسته که مجموعه ای از بازرگانان در این نظام رشد و سپس وارد مبادلات اقتصادی با مناطق دور دست می‌شدند. (فوران، ۱۳۸۶: ۷۱) مایا شاتز میلر، در خصوص نحوه حضور و اقامت تجار خارجی و امنیت موجود، می‌نویسد: «از نظر تاریخی، وضع بازرگانان خارجی و کشتی‌های خارجی در قلمرو اسلامی از لحاظ قانونی با اعطای مجوز سفر یا پرداختن به تجارت، به صورت امان تعیین می‌شد. مجوز این عبور امن را امام یا هر مسلمانی که از نظر شرعی صلاحیت لازم را داشت، می‌توانست به مدت یک سال یا بیشتر صادر کند که به موجب آن امنیت عبور کالا، نرخ مالیات‌هایی که تاجران باید می‌پرداختند، جاهایی که مجاز بودند کالاهایشان را بفروشدند و مدت زمانی که می‌توانستند در آنجا بمانند، حقوق مورد تعهد، آزادی اجرای مراسم دینی، دفن، پوشاک، مرمت کشتی‌ها، جیره بندی اضطراری، حمایت در برابر مهاجمان و اجازه شکایت بردن به رئیس جامعه اسلامی تضمین می‌شد. هیچ تفاوتی بین تاجران خارجی و محلی وجود نداشت». (شاتز میلر، ۱۳۸۰، ج ۶: ۵۰۳-۵۰۴) با توجه به شرایط مذکور، شمار قابل توجهی از بازرگانان خارجی و عناصر وابسته به اقلیت‌های گوناگون، در بنادر و شهرها و مراکز تجاری دو کشور مستقر شده و چرخه عظیمی از داد و ستد را به وجود آوردند.

۵- محدودیت‌های مذهبی تجار مسلمان: با شروع عصر جدید و تحولات مربوط به آن

این سؤال در ذهن متبادر می‌شود که آیا شرایط جدید سیاسی منطقه و جهان بر اقتصاد جوامع اسلامی نیز تأثیرگذار بوده و اصولاً تجارت اسلامی چگونه تجارتی می‌توانسته باشد؟ به نظر مایا شاتز میلر، «ماهیت همبستگی تجار و هویت مذهبی و قومی آنان برای تجارت اسلامی بسیار مهم بود؛ اگرچه گروه‌های مختلف در فعالیت‌های تجاری، بر اساس منابع مورد استفاده به صحنه تجارت وارد و از آن خارج می‌شوند» (همان: ۵۰۳). واقعیت این است که تجارت در عصر جدید در مقایسه با ادوار قبل، آداب و قواعد خاص خود را داشت که محدودیت‌هایی را برای تجار مسلمان ایجاد می‌نمود. در نتیجه در حرفه‌هایی که مسلمانان تمایلی در انجام آن نداشتند، اقلیت‌ها پیشرفت می‌کردند تا بدانجا که در اواخر دوره صفوی، اقلیت‌های بومی و بیگانه سهم مهمی در اقتصاد تجاری داشتند. با عنایت به اینکه قرآن رباخواری را ممنوع^۲ و اسلام ضوابط خاصی برای خرید و فروش تعریف نموده‌است، می‌توان گفت که مسلمانان در قرون گذشته در ممالک اسلامی از جمله ایران، ورودی چندانی به اموری همچون خدمات

صرافی و بانکداری نداشته‌اند؛ در عوض اینگونه امور در دست اقلیت‌های غیر مسلمان (به ویژه بانیان هندی و یهودیان) متمرکز گردید؛ به گونه‌ای که در این دوره برخی افراد وابسته به اقلیت‌های گوناگون، بعضاً به بیش از پنجاه پیشه اشتغال داشته‌اند که این رقم می‌تواند مبین آزادی شغلی اقلیت‌ها در این دوره باشد (کیوانی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). تا بدانجا که مهدی کیوانی در اثر خود و به نقل از تونوت سیاح فرانسوی نقل می‌کند که در اصفهان پانزده هزار نفر از بانیان به تجارت و صنعت خاصی اشتغال نداشتند و صرفاً از طریق رباخواری امرار معاش می‌کردند (همان: ۲۲۱). وجهی که بانیان قرض می‌دادند، افزون بر سرمایه خود، سرمایه‌ای بود که آن را از افراد متمول با بهره سالانه ۸ تا ۱۰ درصد قرض کرده و با سود سی درصد در سال بهره می‌دادند؛ این بهره بالا در زمانی که پول کم بود حتی به بیشتر از ۳۰ درصد نیز قابل افزایش بود. در نتیجه این شرایط بار سنگینی را بر دوش تجار داخلی تحمیل می‌نمود. برای اینکه بهره این وام‌ها تضمین شده باشد، معمولاً اسناد قرارداد آن در حضور قاضی پس از تنظیم امضا می‌شد و یا اینکه وام گیرنده مالی ارزشمند (مثل خانه شخصی خود را) در گرو وام دهنده قرار می‌داد؛ لذا حضور آنان با اینگونه کارکرد ناعادلانه، می‌توانسته در تضعیف جایگاه و توسعه سرمایه‌گذاری تاجران بومی ایران مؤثر بوده باشد. عدم دخالت دادن نقدینگی در امر تولید و وارد کردن آن در زمینه تولید اجاره‌ای و یا مشارکت سودجویانه در ساختمان‌ها (جهت اجاره دادن به صرافان هندی) و رباخواری، توان معامله مستقیم با تجار خارجی را از تجار بومی ایران سلب نموده بود. تا بدانجا که به گفته مهدی کیوانی به نقل از آدام اولناریوس، تاجران بومی ایرانی در این دوره در یافتن منابع مالی با مشکل مواجه بودند (همان: ۲۱۶) که حتی با لغو انحصار ابریشم و دیگر محدودیت‌های آزادی تجاری توسط شاه صفی در سال ۱۰۳۸ ق. / ۱۶۲۹ م. تغییر و پیشرفتی در موقعیت تجار ایرانی نداشته است. با این شرایط جدید به وجود آمده، دربار نیازمند این بود تا بر درآمدهای خود بیفزاید و چه بسا بهترین راه تأمین این نیاز را در حضور تجار غیر مسلمانی (ترجیحاً مسیحی) یافت که اولاً به آداب جهانی تجارت مسلط و آشنا باشند و ثانیاً همچون تاجران مسلمان در قید و بند آداب مذهبی و در نتیجه محدودیت‌های مترتب بر آن نباشند. در هر حال، اقلیت هندی که در شمار بزرگ‌ترین و ثروتمندترین جوامع بازرگانان خارجی قلمرو صفوی بوده‌اند (Fredric Dale, 1994: 66-75)، آثار زیانباری برای جامعه صفوی داشتند؛ به گونه‌ای که برخی محققان سقوط صفویه را متأثر از عملکرد بانیان و یا به تعبیری دیگر معلول حضور آنان در ایران معرفی کرده‌اند (کول، ۱۳۷۷: ۱۶-۱۷).

۶- محدودیت‌های تجار هندو در قلمرو حکومت‌های اسلامی هندوستان: به عقیده

رودلف متی، کی‌ان چودری، جزء محققینی است که نظریه تعدی به بازرگانان در هند قرون میانه که مبتنی بر مباحث مذهبی بود را مطرح کرد (متی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). قبل و بعد از رسیدن صفویان به حکومت ایران، بین اکثر جمعیت هندو مذهب شبه‌قاره هند از یک سو و فرمانروایان سنی و شیعه حاکم بر مناطق مختلف شبه‌قاره از سوی دیگر، به دلایل مذهبی و غیرمذهبی، کشمکش و ستیزهای طولانی و خونین وجود داشت؛ به عنوان نمونه، می‌توان به اقدام سلطان محمد بهمنی در کشتار هندوهای شهر کندبیر و ساخت مسجد در محل بزرگ‌ترین معبد هندوان شهر (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۵۰) و یا اعمال سختگیری شدید مذهبی از سوی اورنگ زیب گورکانی (۱۶۵۸-۱۷۰۷ م.) علیه غیرمسلمانان که شورش‌های چند ساله هندوها را به دنبال داشت، اشاره کرد. به نوشته محمد قاسم هندوشاه استرآبادی مؤلف تاریخ فرشته، پس از انقراض دولت اسلامی بهمنیه در دکن، دولت‌های اسلامی دیگری از جمله قطب‌شاهی (۹۱۸-۱۰۹۸ ق. / ۱۵۱۸-۱۶۸۷ م.) بر سر کار آمدند که گام اساسی برای برطرف ساختن منازعه نظامی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان با هندو مذهبیان برداشتند. به عنوان نمونه، در حالی که مسکوکات طلای سلاطین بهمنیه در میان قطب شاهیان و دیگر حکومت‌های مسلمان دکن رواج داشت، صرافان هندو بنا بر تعصب و تحریک رایان بیجانگر و تلنگانه، زر محمدشاهی را که از غل و غش بری بود، گداخته و می‌خواستند که به نسبت سنوات گذشته در دکن رایج باشد، اما سلطان محمد که پی به این مسأله برد آن‌ها را از این کار باز داشت و لوازم نصیحت به جای آورد، لیکن سودمند نیفتاد. در نتیجه، سلطان محمد فرمان قتل شماری از صرافان هندو را صادر کرد و در ماه رجب سال ۷۶۱ هجری/ ۱۳۶۰ م. در یک روز مشخص در همه ولایت شروع به کشتن صرافان هندو نمودند (همان: ۲۵۴).

جنبه‌های مهم فعالیت‌های اقتصادی بانیان و هندیان در ایران

پس از اقلیت پرشمار آرامنه، هندی‌ها دیگر اقلیت خارجی و مذهبی فعال در عرصه اقتصاد و تجارت ایران بودند. با وجود استقبال سرد شاه عباس اول نسبت به درخواست حضور و فعالیت اقتصادی هندیان در ایران، پیتر دلاواله در مسافرت خود به ایران -که مصادف با سلطنت شاه عباس اول بود- تجار هندی قابل توجهی دیده که در اصفهان و بندر عباس/گمبرون مشغول تجارت بوده‌اند. در حقیقت هندیان، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه غیر بومی مهاجر به بندرعباس را تشکیل می‌دادند (حبیبی و

وثوقی، ۱۳۸۷: ۲۷). به نوشته متی، «منابع دریایی، بانیان یا هندی‌های گجراتی را به عنوان مهم‌ترین تجار در حمل و نقل تجاری ایران با هند معرفی می‌کنند. کاروان‌های آنها از راه خشکی قندهار رفت و آمد می‌کردند؛ همچنین آنها، فعالان تجاری در مسیرهای دریایی منتهی به خلیج فارس بودند و شبکه ارتباطی آنها از سمت غرب تا دریای سرخ امتداد می‌یافت» (متی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). آنان، ضمن حضور پراکنده در شهرها و بنادر مهم اقتصادی ایران و حضور مؤثر در عرصه تجارت خارجی ایران، در تجارت داخلی ایران نیز فعال بوده و به کارهایی چون خرده‌فروشی، دلالی و بانکداری مشغول بودند. تعداد آنها در شهر اصفهان که مهم‌ترین مرکز تجاری صفویان بود، بین ده تا دوازده هزار نفر گزارش شده است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۹).

۱- صرافی: مهم‌ترین کارکرد اقتصادی تجار و سوداگران هندی، صرافی، تأمین اعتبار و معاوضه پول رایج بود. آنها به دلیل اشتها در صرفه جویی و زیرکی در امور مالی، به عنوان صراف عمل کرده و در ازای خدماتشان، بهره‌ای قابل توجه دریافت می‌کردند. میزان سود آنها آنقدر بود که در مدت ۱۸ الی ۲۰ ماه داد و ستد در ایران، سرمایه خویش را دو برابر می‌کردند؛ در صورتی که سود عامه بازرگانان ایرانی در سال، ۳۰ تا ۴۰ درصد بود (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۳۰). بخشی از این زمینه مساعد، از آن‌رو مهیا شده بود که صرافی همراه با رباخواری در جامعه و حکومت اسلامی امری مذموم بود و به همین دلیل، صرافی به اقلیت‌های مذهبی واگذار می‌گردید. بانیان و صرافان هندی، تمام درآمد خود را به صورت فلزات گران‌بها به هند ارسال می‌کردند. افزون بر این، بانیان در شناسایی پول مهارت داشته (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۹) و با محک زدن مسکوکات به منظور کسب اطمینان از عیار فلز و وزن آن، خدمات شایان توجه به حیات اقتصادی بازرگانان می‌کردند. آنها از اواسط قرن هفدهم میلادی به معروف‌ترین صرافان ایران بدل شدند و به تدریج جای یهودیان را در این فعالیت گرفتند. محدودیت‌هایی که از سوی شاهان صفوی از جمله شاه عباس اول برای یهودیان به عنوان مشهورترین دلالان پول ایجاد شد (متی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)، از یک سو و توسعه تجارت، حجم معاملات صورت گرفته و میزان مسکوکاتی که وارد ایران می‌شد از سوی دیگر، باعث تثبیت موقعیت صرافان هندی در بازار پول و سرمایه شد. نبود پول واحد و ضرورت تبدیل پول‌های خارجی به پول رایج، دیگر عامل مؤثر بر اهمیت یافتن صنف صرافی در عصر صفوی بود. به نوشته کاتف که در زمان شاه عباس اول به ایران آمده بود، در بازار اصفهان اقوام مختلفی اعم از ایرانی، ترک، عرب، ارمنی، شامی و کلیمی حضور داشتند و با انواع کالاها و پول‌ها داد و ستد می‌کردند (کاتف، ۱۳۵۶: ۶۴). تا دوره شاه عباس اول، اجازه داده می‌شد در معاملات

از پول‌های خارجی نیز استفاده شود. از جمله پول‌های خارجی مورد استفاده در معاملات، پول اسپانیا، به ویژه سکه‌های ساکسنی، بود. در پی اقدامات و اصلاحاتی که شاه عباس در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی صورت داد، این رویه عوض شد و سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای بر بازار کالا و سرمایه و بطور کلی داد و ستد اعمال شد. بعدها، نظارت بیشتری بر ورود مسکوکات به داخل کشور اعمال گردید، به گونه‌ای که تاجر پس از عبور از مرز و ورود به قلمرو ایران، می‌بایست ارز همراه خود را در نزدیک‌ترین شهر به پول ایرانی تبدیل کند. کسی که مایل به این کار نبود، می‌توانست سکه‌های خود را در محل اقامتش در اصفهان یا شهر دیگر تبدیل و معادل آن پول ایرانی دریافت کند (شوستر والس، ۱۳۶۴: ۴۷-۴۸).

۲- تأمین اعتبار: هندی‌ها علاوه بر دلالی، برای کمپانی‌های اروپایی نیز تأمین اعتبار می‌کردند. بیش‌ترین دلالتان کمپانی‌های اروپایی، بانیان بودند به گونه‌ای که این حرفه در بین آن‌ها موروثی بود (متی، ۱۳۸۷: ۱۲۴). به نوشته لارنس لاکهارت، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در سال ۱۷۱۲ میلادی گرفتار مشکلاتی در اصفهان بودند؛ به واسطه این امر، انگلیسی‌ها مجبور شدند مبالغ گزافی از دلالتان هندی قرض کرده و به شاه و اشخاص دیگر بپردازند (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۴). علی‌رغم رشد و رونق ظاهری اقتصادی در شهرها، آفت اقتصادی وابستگی به سرمایه و اعتبار مالی دلالتان هندی، در بین تجار داخلی نیز نفوذ کرده بود. کمبود نقدینگی در جامعه و بازار، زمینه مناسبی برای حضور و رشد این دسته از هندی‌ها فراهم نمود. ولادیمیر مینورسکی در تبیین بخشی دیگر از دلایل پیدایی این آفت می‌نویسد: «شاه، بزرگ‌ترین سرمایه‌دار به شمار می‌آمد. بازرگانان فقط در مقابل پول نقد داد و ستد می‌کردند. با این حال، پول نیز کمیاب بود و بیشتر به خزانه می‌ریخت و آنجا می‌ماند و بیرون نمی‌آمد؛ در نتیجه، بسیاری از هندیان رباخوار و صراف برای اعتبارات و بازار پول، وضع بحرانی خاص ایجاد می‌کردند» (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۲۹). در این شرایط، مردم از فرایند تولید و تجارت بر کنار می‌شدند، مالیات‌های جمع‌آوری شده از مردم صرف خرید کالاهای لوکس و تجملاتی دربار می‌شد و تجارت به میزان زیادی با اعضای رده بالای حکومت و عمدتاً شاه شروع و به درباریان ختم می‌شد (نویدی، ۱۳۸۶: ۲۰۹). امرا و افراد ذی‌نفوذ دربار نیز در کامل شدن این چرخه نقش داشتند؛ زیرا آن‌ها سرمایه خود را از طریق این سوداپیشگان به ربا می‌دادند. به این ترتیب، هندیان با اتکاء به سرمایه خود و حمایت برخی عناصر داخلی، تسهیلات اعتباری و مالی با سود بالا برای تجار خارجی و بازرگانان داخلی مستقر در بنادر و شهرها فراهم می‌نمودند.

هندیان، معاملات ربوی خود را در مدت حضور در ایران به صورت محرمانه و در خفا انجام می‌دادند؛ اما برای اینکه بتوانند فرع پول خود را از بدهکار وصول کنند، بعضاً متوسل به اقدامات عجیب و خشونت‌آمیزی همچون دست در روغن داغ گذاردن می‌شدند (متی، ۱۳۸۷: ۲۹۷). برخی از این قبیل اقدامات و «ارتکاب اعمال ناهنجار هندی، موجبات تیرگی خاطر شاه عباس دوم را فراهم نمود» (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۲۵)، به گونه‌ای که حداقل یک‌بار با فراخواندن و جلب همکاری علما، «شورای فقهی با هدف حل یک مسأله خاص دربارهٔ هندوهای مقیم اصفهان تشکیل داد» (جعفریان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۹۷). نوع عملکرد سوداگران هندی و بهره‌های بالایی که آن‌ها از گذر پول قرض دادن طلب می‌کردند باعث شد تا در منابع از آنها به بدی یاد شود. برخی علما و فقهای شیعی این دوره، نسبت به امر مذموم رباخواری هندی‌ها و حتی حضور آنان در ایران، واکنش نشان داده‌اند. از جمله این واکنش‌ها، علامه محمد باقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ ق.) در شکستن بت‌های معبد هندوها در شهر اصفهان در جمادی‌الآخر سال هزار و نود و هشت است (حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۵۴۱). عبدالحی رضوی کاشانی از فقهای برجسته آن دوره در رسالهٔ *حدیقه‌الشیعه* خود، ضمن اشاره به حضور این اقلیت خارجی در شهرهای کاشان و اصفهان، در بیان پیامدهای عملکرد آنان می‌نویسد: «یکی از دشواری‌های دیگر، فراوانی کفاری است که از نواحی هند به کاشان و اصفهان می‌آیند و معاملات ربوی با مردان و زنان دارند، به طوری که شیعیان نزد آنها دلیل هستند؛ چراکه به آنها بدهکارند و مجبورند بخشی از درآمد روزانهٔ خود را به آنان بدهند. آنها سوار بر مرکب‌های شیعیان شده، به این سوی و آن سوی سفر می‌کنند و شیعیان هم به خاطر همین اقساط، ملازم رکاب آنها هستند و خواجه‌گان که نزد سلطان مقرب هستند به کمک این افراد می‌شتابند؛ چرا که در دست آنان، اموالی دارند که برای آنان نفعی به همراه دارد» (رضوی کاشانی، بی تا: ۳۰۵-۳۰۶).

۳- خرده‌فروشی و دلالی: به گفتهٔ شاردن، در شهرهای ایران بورس و مراکز معاملات وجود نداشته و بیشتر سوداگری‌ها و داد و ستدها به وسیلهٔ دلالان انجام می‌گرفت. وی، این دلالان را دروغگوترین و فریبکارترین افراد جامعه دانسته و طرز واسطه‌گری آن‌ها در معاملات و بین تجار را قابل تأمل می‌داند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۰۰). آن‌ها، نه تنها نقش بانکدار و دلال را ایفا می‌کردند، بلکه در تجارت خرده‌فروشی نیز فعال بودند. اولتاریوس، خاطر نشان می‌سازد که در بازار اصفهان، حجره‌های تجار هندی در کنار حجره‌های تجار ایرانی قرار داشتند. به گزارش او، تجار هندی عمدتاً ابریشم و

اجناس کتانی می‌فروختند که به مراتب ظریف‌تر و بهتر از آن‌هایی بود که ایرانیان عرضه می‌کردند (اولتاریوس، ۱۳۸۰: ۲۴۲).

پیامدهای اقتصادی فعالیت بانیان و تجار هندی

۱ - خارج نمودن غیرقانونی مسکوکات: پول ایران در عصر صفوی، بیشتر نقره و مس بود؛ از زمان شاه عباس اول تا دوره شاه عباس دوم، پول نقره در ایران زیادتر دیده می‌شود (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۶۴). سکه طلا هم، به صورت محدود و در موقع جشن‌ها و یا جلوس شاه جدید ضرب می‌شد، لیکن بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و در داد و ستد رایج نبود. گرچه در ایران معادن طلا و نقره وجود داشت؛ ولی به علت مقرون به صرفه نبودن هزینه استخراج، بیشتر سکه‌ها و پول‌ها را از سکه و شمشی که از گذر تجارت ارامنه جلفا با کشورهای اروپایی وارد می‌شد، ضرب کرده و می‌ساختند. همه کسانی که از شمال غرب وارد خاک ایران می‌شدند، اعم از تجار ایرانی و خارجی، می‌بایست در ایروان و یا تبریز که ضرابخانه شاهی در آن شهرها وجود داشت، هر قدر پول نقره داشته باشند، اظهار کنند تا اسم شاه بر آن‌ها ضرب شود. اگر کسی سکه نقره همراه خود را اظهار نمی‌کرد و گرفتار می‌شد، جریمه زیادی باید می‌پرداخت. به گفته آنه ماری شیمل، مغولان هند/بایریان مسکوکات را ارزشمند تلقی می‌کردند؛ چون می‌توانستند به سادگی نگهداری شوند و جای زیادی را اشغال نمی‌کردند. با توجه به این شرایط، تجار هندی در داد و ستد با اروپاییان، مصر به انجام معامله با نقره بودند (شیمل، ۱۳۸۶: ۱۱۲). شاه عباس به دلایلی از جمله تهیه و تدارکات جنگ با عثمانی، مخالف خروج پول و نقدینگی از کشور بود (اسمیت، ۱۳۵۶: ۲۱)؛ با وجود این دستور شاه، هندی‌ها آن را از مملکت خارج می‌کردند. آن‌ها، بعضاً با خان بندر عباس ساخت و باخت کرده و مسکوکات مرغوب را از ایران خارج می‌کردند. این موضوع، تأثیر سوئی بر تجارت خارجی ایران گذاشته بود. به همین خاطر، شاه عباس به عملکرد بانیان بدبین بودند و روی خوشی به توطن آن‌ها در قلمرو خود و اشتغال آزادانه آنان به تجارت نشان نمی‌داد (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۱۳). ناگفته نماند که شاهان پیش از شاه عباس اول نیز، گرفتار کمبود سکه‌های طلا و نقره و چاره اندیشی برای داشتن مقدار معتناهی در ایران بودند. ویچنتو دالساندری که در زمان شاه طهماسب اول و به سال ۹۷۸ هـ. ق. برابر با ۱۵۷۱ م. به ایران آمد، می‌نویسد در کشور ایران به جز معدن آهن، کانی‌های دیگر اعم از سیم و زر و مس یافت نمی‌شود؛ از این رو کسانی که از عثمانی نقره می‌آوردند، آن را با سود بیست درصد و طلا را با سود چهارده یا پانزده درصد و مس را با

سود هجده یا بیست درصد می‌فروشد. این قیمت‌ها گزاف است، ولی علت آن این است که صدور فلزات از ایران ممنوع است (دالساندری، ۱۳۸۱: ۴۷۶)؛ در نتیجه، همواره پول زیادی از اروپا و عثمانی وارد ایران می‌شد، ولی این پول‌ها در ایران نمی‌ماند و سر از هند در می‌آورد. نتیجه این شد که همواره پول نقره خوب در ایران کمیاب بود و به همین دلیل، دولت خروج پول طلا و نقره از ایران را ممنوع کرد. با این حال، قاچاق طلا و نقره از ایران همچنان ادامه داشت و معضلاتی برای بازرگانی ایران ایجاد می‌نمود. به نوشته مارتین سانسون، «هلندی‌ها، یگانه ملتی نیستند که دریافته‌اند داد و ستد با ایران منفعتی ندارد؛ چونکه پول این کشور، آنقدر بد بوده که هیچ‌کس علاقمند نیست کالا به آنجا برده و معادلش پول مس دریافت کند» (سانسون، ۱۳۷۷: ۱۲۱). جان فوران به نقل از رافائل دومان، ایران را به کاروانسرای تشبیه کرده که دو درب دارد، از یکی سکه عثمانی وارد می‌شود و از در دیگر، همان سکه‌ها به هندوستان می‌رود. وی، نتیجه می‌گیرد که ثروت ایران مانند رطوبت آب است که تنها در حین عبور از مسیرهای بستر رود را سیراب می‌کند، اما چیزی در خود کشور نمی‌ماند (فوران، ۱۳۸۶: ۱۱۴). مارتین سانسون که در آن زمان از قلمرو صفویه بازدید کرده، راه علاج این مشکل اقتصادی صفویه آن می‌دانست که دولت صفوی، قیمت سکه‌های مرغوب و خوب را بالا ببرد. به نظر وی اگر این راهکار دنبال می‌شد، این درد چاره شده و در این صورت، دیگر سوداگران حاضر نمی‌شدند آن‌ها را به آسانی از کشور خارج کنند (سانسون، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

شاه عباس در تصمیم خود برای جلوگیری خروج پول از کشور، آنقدر مُصِرّ بود که با تدابیری می‌خواست مانع خروج زائرانی شود که قصد رفتن به زیارت مکه را داشتند. در این راستا، دستور رسیدگی و تجهیز مشهد و بارگاه امام رضا (ع) را صادر کرد تا توجه رعایای خود را از مکه و مدینه به طرف مشهد معطوف و ضمن جلوگیری از خروج پول از کشور، نذورات خود را به مشهد بفرستند. (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۱۵). کسانی هم که آرزوی زیارت کعبه را داشتند، می‌بایست مبلغ زیادی به شاه پیشکش می‌کردند تا اذن شاه را حاصل کنند (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۲۵). پس از شاه عباس اول و با شروع سلطنت شاهان ضعیف صفوی، به دلایلی چون فساد دربار و وزرا و ناظران گمرک، جریان خروج مسکوکات از ایران شدت گرفت. جالب اینکه با وجود دستور شاه عباس دوم در ۱۰۶۰ هجری مبنی بر جلوگیری از خروج شمش، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها خروج غیر قانونی آن را با مخفی کردن آن‌ها در میان عدل‌های ابریشم ادامه دادند. عاقبت حکومت ایران به ناکامی خویش در این زمینه اعتراف کرد و اجازه داد سکه به شرط پرداخت معین عوارض صادر شود (فلور، ۱۳۸۰، ج ۶: ۵۲۶). سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین ضمن اشاره به تلاشش برای خارج نمودن گوگرد (کالای ممنوعه) از ایران به

مقصد هند برای ساخت باروت با توسل به دادن رشوه به میرزا ربیع منشی صدر اعظم دربار برای کسب اجازه حمل هر مقدار گوگرد به قیمت معمول، فساد درباریان در دریافت رشوه و اخاذی را مورد اشاره قرار داده‌است (فلور، ۱۳۶۵، ۶۴). وی، نقل می‌کند که شخصی به نام هوگ کامر که نماینده کمپانی هلندی بود در دربار ایران با پرداخت چهارده هزار تومان به صدر اعظم شاه سلطان حسین (اعتمادالدوله) و ناظر، قراردادهایی را امضا و منعقد کرد که از طریق آن تمام مال‌التجاره‌هایی که از اصفهان به بندرعباس ارسال می‌شد و دارای علامت امتیاز کمپانی هلندی بود بدون بازدید و گشوده شدن در گمرکات ایران از مرز عبور می‌نمود. مهم‌ترین جنس ممنوعه، سکه‌های طلایی بود که صادرات آن ممنوع و مجازات آن شدید بود (فیدالگو، ۲۵۳۷: ۱۴۳).

۲- کسری تراز بازرگانی ایران در قبال هند: کمپانی‌های مختلف هند شرقی و به طور

کلی اروپاییان، به دلیل داشتن امکانات و ناوگان‌های پیشرفته دریایی، انحصار حمل و نقل دریایی را در دست داشته و سود بیشتری را عاید خود می‌کردند. از نظر ورود شمش‌های نقره و طلا به ایران، تراز بازرگانی ایران در برابر کشورهای اروپایی ابتدا به نفع ایران بود؛ اما در بلند مدت، این تعادل به نفع کمپانی‌های اروپایی تغییر نمود؛ زیرا به علت توسعه و رونق تجارت از مسیر دریا، سود بیشتر به طرف اروپایی تعلق می‌گرفت که کالا را به بازار نهایی می‌رسانید. این کسری موازنه، وقتی حالت شدیدتر به خود می‌گرفت که ایران نیاز به ادویه آسیایی داشت که تجارت آن عمدتاً در دست هلندی‌ها بود. به علت سقوط ارزش پول ایران و ناتوانی بازرگانان ایرانی در پرداخت نقدی بهای کالاهای خریداری شده، تجار مجبور بودند اعتبار مورد نیاز خود را از صرافان و دلالان هندی تأمین کنند. آنچه این معضل را بدتر می‌نمود، تنزل روزافزون ارزش سکه‌های ایرانی و تشدید روند خروج مسکوکات از ایران در اواخر عهد صفویان بود. اعتبار سکه‌های ایران از زمان شاه عباس اول به بعد، به تدریج به لحاظ وزن و شکل و عیار تنزل یافت. در زمان حمله افغان‌ها به ایران، در بازار اصفهان که تجار مختلف از اقصی نقاط عالم در آن حضور و تردد داشتند، پول چنان کمیاب شده بود که دیگر به ندرت کسی چشمش به آن می‌افتاد (فلور، ۱۳۶۷: ۲۲). بروس در توصیف کلی اوضاع نامساعد سیاسی صفویه و تأثیر آن بر اوضاع اقتصادی قلمرو صفویه در سال‌های ۱۶۹۶-۱۶۹۵ میلادی، می‌نویسد: «اطلاعاتی که از گمبرون و اصفهان در این فصل بدست می‌آید، دلایل بی‌ثباتی از تجارت در کشوری که دولت آن متغیر و مستبد است و نمی‌تواند امور تجارت را جز به مستخدمان و بازرگانانی که در پیشرفت آن ذی‌علاقه‌اند سپرد»

(لاکهارت، ۱۳۴۴: ۴۵۷). به این ترتیب، آشکار می‌گردد که جانشینان شاه عباس اول با ضعف و بی‌تدبیری خود و دامن زدن به بی‌ثباتی سیاسی، عرصه را بر تجار داخلی تنگ کردند؛ در مقابل، فضای مناسبی در اختیار سوداگران خارجی قرار گرفت تا با بهره بردن از فساد موجود در سیستم حکومتی و با رشوه، به پیشبرد امور خویش همت گمارند.

نتیجه

به دنبال به قدرت رسیدن صفویه و موفقیت‌های نسبی برخی شاهان این سلسله در تثبیت قلمرو، برقراری امنیت و توسعه مناسبات با دیگر ممالک و حکومت‌ها، اوضاع اقتصادی و تجاری ایران به رونق گرایید. این ترقی و رونق، افزون بر بازرگانان دو کشور همسایه ایران و هند، نصیب کمپانی‌های تجاری اروپایی شد که در آن روزگار بر مسیرهای آبی پیرامون هند و ایران سلطه یافته بودند. فراز و فرود فعالیت بازرگانان هندی و ایرانی و اروپایی در عهد صفویه و چگونگی موازنه تجاری طرفین، مدیون عواملی چون ثبات تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی صفویه، اقتدار شاهان مختلف و عملکرد صحیح نظام دیوانسالاری است. با وجود همسایگی دو کشور هند و ایران، در امر مهم برقراری و استمرار مناسبات بازرگانی دو کشور، کمپانی‌های تجاری اروپایی همپای بازرگانان هند و ایرانی فعالیت داشتند. تا دوره شاه عباس اول و نخستین جانشینان وی، مبادلات دو کشور رشد مناسبی داشت و موازنه تجاری دو کشور تقریباً برابر بود؛ اما پس از آن، به دلیل کاهش صادرات ابریشم ایران، خروج بی‌رویه مسکوکات خوش‌عیار و فلزات قیمتی از ایران، ورود حجم زیادی از کالاهای متنوع هندی به ایران، بروز بی‌ثباتی و هرج و مرج در سیاست‌های اقتصادی و پولی و تجاری صفویان و عدم نظارت کافی صفویان بر مراکز ضرب سکه کفه موازنه تجاری به نفع هند سنگین شد. بحران گردش پولی و کمبود آن، علاوه بر تشدید کسری موازنه، پیامدهای دیگری نیز در پی داشت که از جمله آنها می‌توان به کاهش قدرت خرید و فقر بیشتر جامعه اشاره کرد. در این مقاله، تلاش شد تا با استناد اطلاعات موجود در منابع، نقش بانیان و سوداگران هندی در تجارت و اقتصاد ایران عصر صفوی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. فراز و فرود چگونگی عملکرد و فعالیت بانیان و تجار هندی در قلمرو صفویه، از منفع‌طلبی این گروه، متأثر از شرایط سیاسی و اقتصادی ایران در عهد صفویان بود. بانیان و تجار هندی، در سرتاسر عهد صفویان در مناطق مختلف ایران حضور چشمگیر داشتند. آن‌ها، در زمینه‌های متنوع و گسترده‌ای چون خرده‌فروشی و دلالی و رباخواری و تجارت خارجی ایفای نقش نمودند. در

ارزیابی میزان نقش آن‌ها در اقتصاد ایران عصر صفوی، باید سیاست‌شاهان مختلف صفوی و میزان موفقیت آنان در ادارهٔ بهینهٔ اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور را مد نظر قرار داد. بانیان و سوداگران هندی که در همه حال به منافع خود می‌اندیشیدند، در اواخر عمر حکومت صفوی که اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران نابسامان شد، زمینهٔ مساعدتری برای تعقیب آزادانه منافع خویش یافتند و با اقداماتی چون خروج بی‌رویهٔ مسکوکات از ایران، ضرباتی سخت بر پیکر اقتصاد صفوی وارد ساختند.

یادداشت‌ها

۱- برای نمونه، می‌توان به این آثار و مقالات اشاره کرد: ریاض‌الاسلام. *تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه*، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۳؛ رودلف پی. متی. *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۰؛ مهدی کیوانی. *پیشه وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*، ترجمه یزدان فرخی امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۲؛ ابوطالب سلطانیان. «روابط تجاری ایران و هند در دورهٔ صفویان متأخر با تکیه بر نقش عناصر فعال در آن»، *مجله پژوهش‌های تاریخی*، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱؛ حمید حاجیان پور. «بانیان از دیدگاه سفرنامه‌های عصر صفوی»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، شماره‌های ۳۳ و ۳۴، سال ۱۳۸۷؛ حکیمه امیری. «تجارت خارجی ایران در دوره صفویه»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال دوم، شماره‌های ۷ و ۸، تابستان و پاییز ۱۳۸۰؛ اندرو جی. نیومن. «سیاست بازرگانی در ایران عصر صفوی، ابریشم در برابر نقره ۱۷۳۰-۱۶۰۰»، *ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره‌های ۸۶ و ۸۷، آذر و دی ۱۳۸۳؛ Stephan Fredric Dale : *Indian merchants and the Eurasian Trade 1600-1750* cambridge universit press 1994

۲- سوره بقره، آیه ۲۷۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آقامحمد زنجانی، محمد (۱۳۸۲). اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال (سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۸). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه .
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۰). سفرنامه ابن بطوطه. جلد اول. ترجمه محمد علی موحد. تهران: ناشر آگاه.
- اسمیت، یان (۱۳۵۶). سفرنامه‌گیان اسمیت اولین سفیر هلند در ایران. ترجمه ویلم فلور، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان. تهران: ناشر کتابخانه طهوری.
- افوشته ای نطنزی، محمود بن هدایت اله (۱۳۷۳). نقاوه الاثاری ذکرا الاخیاری تاریخ الصفویه. به تصحیح احسان اشراقی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۸). مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس. تهران: چاپخانه مجلس.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۷۹). اصفهان خونین شاه صفی. جلد دوم. ترجمه حسن کردیچه. تهران: نشر هیرمند.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۸۰). سفرنامه «بخش ایران». ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار نو.
- باربارو و دیگران (۱۳۸۱). سفرنامه‌های ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- بدائونی، عبدالقادر بن ملوک شاه بن حامد (۱۳۷۹). منتخب التواریخ. به تصحیح توفیق سبحانی و مولوی احمد صاحب. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران.
- تاورنیه، ژان بابتیست (۱۳۳۶). سفرنامه. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: چاپخانه پروین.
- تتوی، قاضی احمد (۱۳۸۲). تاریخ الفی. جلد هشتم. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.
- ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی. جلد سوم. به تصحیح ایرج افشار. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸). سیاست و فرهنگ روزگار صفوی. جلد ۱. تهران: نشر علم.
- جهانگیری، نورالدین محمد توزک (۱۳۵۹). جهانگیرنامه. به تصحیح محمد هاشم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

جان فوران (۱۳۸۶). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی). ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

حزین لاهیجی، محمد علی (۱۳۳۲). تاریخ حزین. اصفهان: کتاب فروشی تأیید.

حسین آبادی، زهرا (۱۳۹۳). بررسی پیوستگی نگاره‌های درخت با باورهای اساطیری و مذهبی هند. فصلنامه مطالعات شبه قاره هند، سال ۶، شماره ۱۸، زاهدان، صص ۲۹-۴۸.

حسینی خاتون آبادی، سید عبدالحسین (۱۳۵۲). وقایع السنین و الاعوام. چاپ اول. به تصحیح محمد باقر بهبودی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

حبیبی، حسن؛ وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۷). بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس. تهران: انتشارات بنیاد ایران‌شناسی.

دل‌واله، پیتر (۱۳۹۰). سفرنامه. ترجمه شعاع الدین شفا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

رضوی کاشانی، عبدالحی بن عبدالرزاق: حدیقه الشیعه (نسخه خطی) شماره ۲۵۷۷۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

سانسون، مارتین (۱۳۷۷). سفرنامه «وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی». ترجمه محمد مهریار. تهران: نشر گلها.

سفرنامه برادران شرلی (۱۳۸۷). ترجمه آوانس. به تصحیح علی دهباشی. تهران: انتشارات نگاه.

سفرنامه وینکتو والساندری (۱۳۸۱). سفرنامه ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی.

سیوری، راجر (۱۳۷۸). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.

شاتنمیلر، مایا (۱۳۸۰). مقاله تجارت؛ تاریخ تجارت در جهان اسلام. دانشنامه جهان اسلام، جلد ۶. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی. صص ۴۹۹-۵۰۶.

شاردن، ژان (۱۳۷۲). سیاحتنامه. ترجمه اقبال یغمائی. جلد‌های ۲، ۵ و ۴. تهران: ناشر توس.

شوستر والسر، سیبلا (۱۳۶۴). ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان «پژوهشی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران». ترجمه غلامرضا وره‌رام. تهران: امیرکبیر.

شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۶). در قلمرو خانان مغول. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: امیرکبیر.

غفاری کاشانی، قاضی احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). تاریخ نگارستان. به تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: کتابفروشی حافظ.

- فوران، جان (۱۳۸۶). مقاومت شکننده «تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی». ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵). بر افتادن صفویان و برآمدن محمود افغان «روایت شاهدان هلندی» ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.
- (۱۳۶۷). اشرف افغان بر تختگاه اصفهان. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.
- (۱۳۸۰). مقاله تجارت؛ دوره صفوی تا قاجار، دانشنامه جهان اسلام. جلد ۶. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی. ص ۵۲۴-۵۳۱.
- (۱۳۷۸). نظام قضایی عصر صفویه. ترجمه حسن زندیه. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فیدالگو، گریگور پیرا (۲۵۳۷). گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار سلطان حسین. ترجمه پروین حکمت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیگوئروا، دن گارسیا سیلوا (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- قبادالحسینی، خورشاه (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام شاه. به تصحیح محمد رضا نصیری و کوئیچی هانه دا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (بی تا). سفرنامه. ترجمه محمد صادق همایون فر. تهران: کتابخانه ملی.
- کارری، جملی (۱۳۴۸). سفرنامه. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: نشراداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کروسینسکی، تادیوز یودا (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه عبدالرزاق دنبلی مفتون. تهران: انتشارات توس.
- کلاویخو (۱۳۴۴). سفرنامه. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کول، جوان (۱۳۷۷). بازرگانان هندی و سقوط صفویه. ترجمه محسن جعفری مذهب. (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا) شماره ۱۷.
- کیانی، محمد یوسف و کلایس، ولفرام (۱۳۷۳). کاروانسراهای ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

گرس، ایوان (۱۳۷۲). سفیر زیبا «سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی». ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات تهران.

لاکهارت، لارنس (۱۳۴۴). انقراض سلسله صفویه. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

متی، رودلف. پی (۱۳۸۷). اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی. حسن زندیه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۲ ق). صواعق البهود "بیست و پنج رساله فارسی". به کوشش سید مهدی رجائی. قم: بی نا.

موسوی فندرسکی، میرابوطالب (۱۳۷۸). به تصحیح رسول جعفریان. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۸). سازمان اداری حکومت صفوی. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: امیرکبیر.

ناشناس (۱۳۶۰). نامه‌های شگفت انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه. ترجمه بهرام فره وشی. تهران: موسسه علمی اندیشه جوان.

نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۰). اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵؛ همراه با یادداشت‌های تفصیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نویدی، داریوش (۱۳۸۶). تغییرات اجتماعی، اقتصادی در عصر صفوی. ترجمه هاشم آقاجری. تهران: نشر نی.

وحید قزوینی، محمد طاهر (۱۳۸۳). تاریخ جهان آرای عباسی. به تصحیح سید سعید میر محمد صادق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هاشمی، سید رضا (۱۳۸۰). مقاله تجارت؛ تجارت در قرآن و حدیث و فقه. دانشنامه جهان اسلام. جلد ۶. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی. ص ۴۹۶-۴۹۹.

هندوشاه استرآبادی، محمد قاسم (۱۳۸۸). تاریخ فرشته «از بابر تا عادلشاهیان». جلد دوم. به تصحیح محمد رضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر.

Fredric Dale, Stefan (2007). indian merchants and the Eurasian 1600- 1750, London: cambridge university press

Milford, Humphrey (1921) Early Travels In India(1583-1619), edited by Willim Foster, London: Oxford University

